

ردیف	بزرگه	تجزیه و تحلیل	حسی مورد انتظار در یک جامعه
۶	رشد فزاینده فرد گرایی در میان افشار متوسط جدید خصوصاً در شهرهای بزرگ.	سازو کارهای دموکراتیک از مهمترین عواملی است که می تواند در میان افراد متفرد در جامعه ایجاد همبستگی کند و چون این سازو کارها در ایران به درستی کار نمی کنند این متفرد می تواند به درس خوانی افراطی، سودجویی افراطی، لذتجویی افراطی، خود محوری، افزایش رشد فرار مغزها، گوشه گیری و... بینجامد.	بعید است از طریق تقویت سازو کار دموکراسی به این فردیت فزاینده پاسخ داده شود.
۷	بحران هویت در افشار گوناگون جامعه همچون دیگر جوامع، در جریان است مانند بحران های ناشی از تقاطع هویت های قومی / محلی / خانوادگی با هویت ملی / جهانی یا ناهماهنگی میان هویت دینی / عرفی یا تغییرات هویتی بخاطر ابعاد بازآلایشانه جهان جهانی شده.	در جامعه ایران، حکومت خود مدعی یک نوع اعمال هویت است و به جای مدیریت بحران هویت ها به بحران هویت دامن می زند. در حکومت ایران کسب "قدرت" برای مدیریت جامعه هنوز کاملاً رقابتی و قانونمند نشده است. لذا حکومت به جای قانونمند کردن رقابت دائماً دعاوی هویتی خود را مطرح می کند.	انتخابات غیر منصفانه مجلس هفتم نشان داد که بعد است حکومت در آینده نزدیک بجای تأکید بر دعاوی هویتی، رقابت سیاسی برای در دست گرفتن قدرت را سازماندهی کند.
۸	نهاد خانواده در مقایسه با نهاد حکومت (و حتی در مقایسه با نهادهای دینی) فعالترین نهادی است که از فرد در برابر فشار جامعه دفاع می کند و جور عدم کار آبی دولت را هم می کشد. بخاطر افزایش تحصیلات و فعالیت شغلی زنان، ساختار خانواده اقتدار متوسط جدید از ساختار مردسالار به طرف ساختار دموکراتیک در حرکت است.	در افشار پایین جامعه نهاد خانواده از سوی دو عامل اعتیاد و فقر به شدت تهدید می شود. یکی از عوامل ناخوشایند دموکراتیک شدن خانواده هم افزایش نرخ طلاق است و همچنین افزایش تعداد خانواده های تک سرپرست.	به نظر می رسد حمل بار سنگین مسئولیت های مختلف از سوی خانواده همچنان ادامه یابد و حکومت هم همچنان بر تبلیغ الگوی خانواده مردسالار تأکید داشته باشد.
۹	جامعه با افزایش نرخ آسیب های اجتماعی خصوصاً نرخ اعتیاد، طلاق، بیکاری، قتل های غیر منظره و تصادفات جاده ای روبروست.	هنوز معلوم نیست این رشد فزاینده آسیب های اجتماعی تاچه اندازه معلول مدرن شدن جامعه و چقدر معلول عدم کار آبی حکومت است. یکی از راههای ارزیابی این مسأله مقایسه آماری آسیب های اجتماعی جامعه ایران با پاکستان، ترکیه، مالزی است.	به نظر می رسد علی رغم شعارهای اسلام گرایی حکومت، مسیر فزاینده آسیب های اجتماعی تداوم داشته باشد.
۱۰	بزرگترین سازمان بوروکراتیک ایران سازمان دولت (State) است. در جامعه به ازای هر دو نفر نیروی فعال یک نفر از بخش عمومی و دولتی حقوق می گیرد. دولت برای تأمین هزینه این ماشین بزرگ اداری نیازمند پول مالیات از مردم نیست، و انت نفت بخش عمده این هزینه را تأمین می کند.	نه رخدادهای بزرگ انقلاب اسلامی نه سیاست های دوران سازندگی اندازه این دولت غول پیکر را کوچک نکرده (حتی بزرگ هم کرده) است. سیاست های کوچک سازی خاتمی در دو دوره گذشته هم با سیاست های مقابله با اصلاحات، که به نهادهای موازی نیاز داشت، خنثی شد. یکی از عوامل عمده عدم شکل گیری اقتصاد رقابتی و قانونی و عدم گذار و تحکیم دموکراسی در ایران و بالاخره عقب افتادن سطح توسعه یافتگی ایران از کشورهای مشابهی مثل ترکیه و مالزی همین دولت غول پیکر و پهن ران است. با اینکه در دل این دولت غول پیکر تغییرات مهمی در جریان است. بعنوان نمونه به نظر می رسد پیش از سی در صد فعالیت های این دستگاه عظیم توسط بخش خصوصی و بخش های پیمانکاری (آیته یا تقویت روابط حامی پرورانه) انجام می شود. یا بخش زیادی از کارشناسان مؤثر دولت دو ضلع هستند و به بخش خصوصی وصل شده اند. بجزارت دیگر این دولت عظیم به نحوی به یک بخش خصوصی غیر رقابتی دامن می زند.	جامعه ایران با نقشهای متعارض نهادهای دینی روبرو است. از یک طرف، نوسازی جامعه نقشهای جداگانه ای نهادهای دینی را در زمینه امور آموزشی، درمانی، قضایی، مراسمی محدود کرده است. از طرف دیگر بخشی از نهادهای دینی، این روند اجتماعی را نه یک واقعیت اجتماعی که توطئه مخالفان اسلام قلمداد می کنند. (به همین دلیل، بخشی از نهادهای دینی، حکومت دینی را تنها عامل کنترل فزایندهای نوسازی می دانند و از اینکه برای مشروعیت بخشی از حکومت دائماً از دین همزینه کنند هیچ نگرانی ندارند.)
۱۱	جمعیت هفتاد درصدی جوان ایران بیشتر مصرف کننده حجم انبوهی از فرهنگ غیر رسمی است (از طریق تلوزیون، ویدئو، سی دی، ماهواره، اینترنت، نشریات و نهاد شایعه) بطوریکه فرهنگ رسمی توانایی به حدی بردن آن را ندارند. بخشی از این فرهنگ غیر رسمی متأثر از فرهنگ جهانی جوانان است.	مصرف مظاهر و عناصر این فرهنگ غیر رسمی حتی به شکل "مقاومت" در برابر فرهنگ رسمی بروز داد. رفتار فرهنگی که بخشی قابل توجهی از جوانان شهرهای بزرگ از خود نشان می دهند رفتاری نیست که صدا و شیما، وزارت آموزش و پرورش و حوزهای علمیه دینی انتظار آن را دارند.	جامعه ایران در معرض چندین پوشش و جنبش اجتماعی است. مانند پوششهای دموکراتیک، دانشجویی، زنان، کارمندان محروم، قومی (مثلاً در کردستان)، آذربایجانی، ساه، حاشیه نشینان، محیط زیست، حقوق بشر.
۱۲	عرصه عمومی، به معنای فضای گفت و گو و تفکر تا حدودی در جامعه ایران شکل گرفته است.	جامعه ایران در معرض ضعف سازو کار دموکراسی ایران معمولاً وقتی پوشش های اجتماعی قدرت می گیرند و به سطح یک جنبش تعیین کننده از تقا می یابند، در برابر حکومت قرار می گیرند. در مقابل نگاه حکومت هم به پوشش های اجتماعی نگاه امنیتی و کنترلی است (به نگاهی به فهم و پاسخ به مطالبات آنها). به همین دلیل می توان گفت حکومت ایران در برابر جامعه ای قرار دارد که در لایه های زیرین آن انواع تکاپوهای اجتماعی که همیشه هم دیده نمی شود در جریان است لذا حکومت در بالا دانم در ترس از پایین خود قرار دارد.	جامعه در تسلط یک "ایدئولوژی" نیست - نه ایدئولوژی اسلام سیاسی توده گرا، نه اقتدار گرا، نه بنیاد گرا و نه مردم سالار. در حالی که در جامعه از سوی حکومت، اندیشه حکومت دینی تقویت می شود از پایین جامعه (از سوی نخبگان فکری - فرهنگی) اندیشه ضرورت جدایی (و تعامل) نهاد دین و نهاد حکومت حمایت می شود.
۱۳	مصرف مظاهر و عناصر این فرهنگ غیر رسمی حتی به شکل "مقاومت" در برابر فرهنگ رسمی بروز داد. رفتار فرهنگی که بخشی قابل توجهی از جوانان شهرهای بزرگ از خود نشان می دهند رفتاری نیست که صدا و شیما، وزارت آموزش و پرورش و حوزهای علمیه دینی انتظار آن را دارند.	جامعه ایران در معرض ضعف سازو کار دموکراسی ایران معمولاً وقتی پوشش های اجتماعی قدرت می گیرند و به سطح یک جنبش تعیین کننده از تقا می یابند، در برابر حکومت قرار می گیرند. در مقابل نگاه حکومت هم به پوشش های اجتماعی نگاه امنیتی و کنترلی است (به نگاهی به فهم و پاسخ به مطالبات آنها). به همین دلیل می توان گفت حکومت ایران در برابر جامعه ای قرار دارد که در لایه های زیرین آن انواع تکاپوهای اجتماعی که همیشه هم دیده نمی شود در جریان است لذا حکومت در بالا دانم در ترس از پایین خود قرار دارد.	جامعه در تسلط یک "ایدئولوژی" نیست - نه ایدئولوژی اسلام سیاسی توده گرا، نه اقتدار گرا، نه بنیاد گرا و نه مردم سالار. در حالی که در جامعه از سوی حکومت، اندیشه حکومت دینی تقویت می شود از پایین جامعه (از سوی نخبگان فکری - فرهنگی) اندیشه ضرورت جدایی (و تعامل) نهاد دین و نهاد حکومت حمایت می شود.
۱۴	عرصه عمومی، به معنای فضای گفت و گو و تفکر تا حدودی در جامعه ایران شکل گرفته است.	جامعه ایران در معرض ضعف سازو کار دموکراسی ایران معمولاً وقتی پوشش های اجتماعی قدرت می گیرند و به سطح یک جنبش تعیین کننده از تقا می یابند، در برابر حکومت قرار می گیرند. در مقابل نگاه حکومت هم به پوشش های اجتماعی نگاه امنیتی و کنترلی است (به نگاهی به فهم و پاسخ به مطالبات آنها). به همین دلیل می توان گفت حکومت ایران در برابر جامعه ای قرار دارد که در لایه های زیرین آن انواع تکاپوهای اجتماعی که همیشه هم دیده نمی شود در جریان است لذا حکومت در بالا دانم در ترس از پایین خود قرار دارد.	جامعه در تسلط یک "ایدئولوژی" نیست - نه ایدئولوژی اسلام سیاسی توده گرا، نه اقتدار گرا، نه بنیاد گرا و نه مردم سالار. در حالی که در جامعه از سوی حکومت، اندیشه حکومت دینی تقویت می شود از پایین جامعه (از سوی نخبگان فکری - فرهنگی) اندیشه ضرورت جدایی (و تعامل) نهاد دین و نهاد حکومت حمایت می شود.
۱۵	عرصه عمومی، به معنای فضای گفت و گو و تفکر تا حدودی در جامعه ایران شکل گرفته است.	جامعه ایران در معرض ضعف سازو کار دموکراسی ایران معمولاً وقتی پوشش های اجتماعی قدرت می گیرند و به سطح یک جنبش تعیین کننده از تقا می یابند، در برابر حکومت قرار می گیرند. در مقابل نگاه حکومت هم به پوشش های اجتماعی نگاه امنیتی و کنترلی است (به نگاهی به فهم و پاسخ به مطالبات آنها). به همین دلیل می توان گفت حکومت ایران در برابر جامعه ای قرار دارد که در لایه های زیرین آن انواع تکاپوهای اجتماعی که همیشه هم دیده نمی شود در جریان است لذا حکومت در بالا دانم در ترس از پایین خود قرار دارد.	جامعه در تسلط یک "ایدئولوژی" نیست - نه ایدئولوژی اسلام سیاسی توده گرا، نه اقتدار گرا، نه بنیاد گرا و نه مردم سالار. در حالی که در جامعه از سوی حکومت، اندیشه حکومت دینی تقویت می شود از پایین جامعه (از سوی نخبگان فکری - فرهنگی) اندیشه ضرورت جدایی (و تعامل) نهاد دین و نهاد حکومت حمایت می شود.

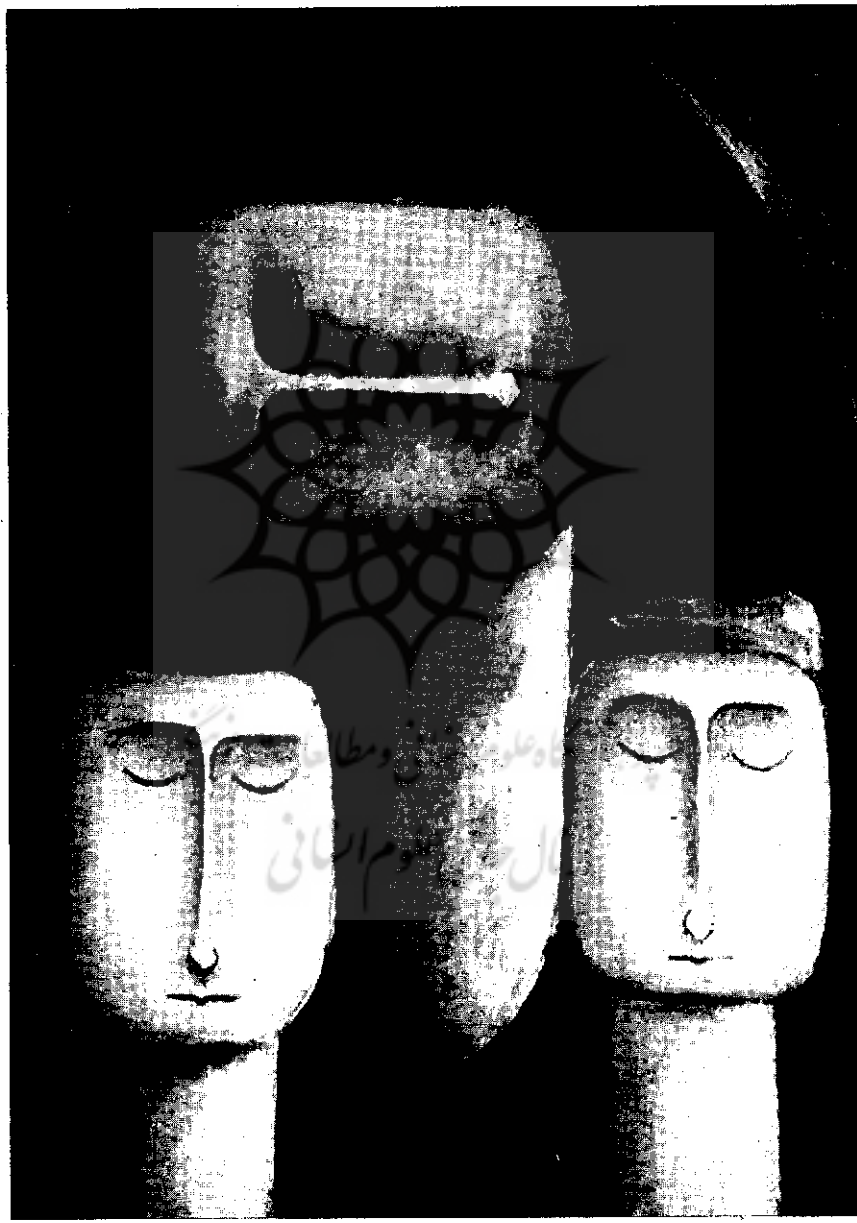
حال گذار و نوسازی است ولی این نظریه ها قادر نیستند "جامعه کنونی ایرانی" را به طور اختصاصی تفسیر کنند. دوم، اجرای سیاست های نوسازی در شش دهه گذشته زمینه ساز تکوین ویژگی های یک، شش، نه، چهارده و شانزده بوده که در نظریه های مذکور به طور محوری مورد توجه قرار نمی گیرد. (۲) نظریه جامعه توده ای بیش از سه دهه است که برای تحلیل جامعه ایران به کار می رود. منظور این است که جامعه ایران از "افراد رها شده" و در "معرض بحران هویت" تشکیل شده و این افراد زمینه خوبی هستند برای اینکه ایدئولوژی های توده گرا آنان را در عرصه سیاسی بسجج کنند. این نظریه اولاً بیشتر تفسیر کننده جامعه ایران در زمان انقلاب و جنگ است. ثانیاً اغلب جوامع مدرن به خاطر گسترش وسایل ارتباط جمعی توده گیر، به یک معنا جامعه توده ای هستند. ثالثاً مشکل اساسی این نظریه این است که نمی تواند ویژگی های هشت، نه، چهارده و شانزده را توضیح دهد.

(۳) در نظریه جامعه نفتی ویژگی ده، مورد توجه قرار می گیرد که بر اساس آن جامعه ایران با پول نفت دوپینگ می شود و در اصل بجای یک جامعه مدرن یک جامعه شبه مدرنیستی به نمایش گذاشته می شود. در صورتی که ویژگی های سه، پنج، شش، هفت، نه، چهارده، پانزده و شانزده ویژگی های همه جوامع مدرن و از جمله جامعه کنونی ایران است و این نظریه قادر به توضیح آنها نیست.

(۴) نظریه جامعه پیرامونی با برجسته کردن متغیرهای ناشی از جهانی بودن سیستم سرمایه داری (انباشت بیشتر، تولید بیشتر، مصرف بیشتر و سود بیشتر در سطح جهان و آن هم به ضرر کشورهای جنوب) کشورهای صنعتی را محور قرار می دهد. در این نظریه رگ حیاتی توسعه یافتگی کشورهای صنعتی در توسعه نیافتگی کشورهای پیرامونی و حاشیه ای در جهان است. این نظریه قادر نیست توضیح دهد چرا کشورهای پیرامونی مثل ایران، ترکیه، مالزی، بنگلادش این همه با هم متفاوت اند. به عبارت دیگر نظریه جامعه پیرامونی قادر نیست ویژگی ها و پویایی های درونی جوامع پیرامونی (از جمله ایران) را که در قاب آمده، توضیح دهد.

(۵) نظریه جامعه دینی نظریه ای شناخته شده در جامعه شناسی نیست بلکه دیدگاهی است که پس از انقلاب طرفداران انقلاب اسلامی در آرزوی تحقق آن بوده اند. اولاً اگر منظور از جامعه دینی جامعه ای است که در آن مراعات احکام شرعی همه گیر باشد یا اگر منظور از جامعه دینی جامعه ای اخلاقی باشد ویژگی های سه، هفت، هشت، نه، ده، چهارده و پانزده نشان می دهد که جامعه ایران به چنین هدفی نزدیک نشده

**نه رخداد بزرگ انقلاب اسلامی
نه سیاست های دوران سازندگی
اندازه این
دولت قول پیکر را
کوچک نکرده (حتی بزرگ هم کرده)
است. سیاست های کوچک سازی
خاتمی در دو دوره گذشته هم
با سیاست های مقابله با اصلاحات، که به
نهادهای موازی نیاز داشت
غنی شد**



**می توان گفت
جامعه ایران جامعه ای مدرن
و دموکراسی جو است
در حالی که
حکومت آن دموکراسی گریز است
لذا جامعه ایران
جامعه نامتوازن دموکراتیک
است**

است. ثانیاً هنوز معلوم نیست جوامع مشابه دیگری مثل ترکیه از ایران کنونی کمتر دینی باشند. ثالثاً دینی کردن جامعه ایران از طریق دینی کردن حکومت ایران صورت گرفته است و همین دینی کردن حکومت مهمترین توجیه و علتی بوده است که در برابر دو مؤلفه اصلی مدرنیته و جامعه مدرن (یکی دموکراسی و دیگری اقتصاد رقابتی و قانونمند) گارد گرفته است. به عبارت دیگر در برابر گند کردن روند مدرنیته (و توسعه یافتگی) معلوم نیست جامعه ایران چقدر دینی تر شده باشد.

(۶) ویژگی های سه، هفت و پانزده باعث شده است که عده ای از صاحب نظران برای تفسیر جامعه ایران از عنوان تئوریک "جامعه فرهنگی" استفاده کنند. نظریه "جامعه فرهنگی" نظریه ای بود که برای تحولات جامعه اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم به کار رفت. اگر شاخص بیرونی جامعه صنعتی کارخانه ها، تولیدات انبوه صنعتی بود، شاخص جامعه فرهنگی تولیدات فرهنگی در مراکز آموزشی، تبلیغی، هنری و ادبی است. با اینکه ویژگی های سه، چهار، پنج، هفت و پانزده به نحوی جامعه ایران را به "جامعه فرهنگی" نزدیک می کند اما تطبیق این نظریه بر ایران با مشکل روبرو است. زیرا جامعه ایران نه هنوز درجات صنعتی شدن را به اندازه کشورهای غربی طی کرده و نه مثل جوامع غربی جوامع پسادموکراسی است، بلکه یک جامعه پیشا دموکراتیک است و ویژگی های جوامع فرهنگی، ویژگی های دو، هشت، یازده، سیزده و چهارده که مصداق کنونی آنها در کشورهای غربی است، در آن یافت نمی شوند.

پیشنهاد یک تیپ نظری: ایران؛ جامعه دموکراسی جو با حکومتی دموکراسی گریز دقت در ویژگی های موجود در قاب فوق نشان می دهد جامعه ایران جامعه ای مدرن است. ویژگی های یک، سه، چهار، شش، هفت، هشت، نه، ده، دوازده و شانزده ویژگی هایی هستند که در اغلب جوامع مدرن یافت می شوند. ولی جامعه ایران یک تفاوت عمده با جوامع مدرن کنونی دارد. اغلب جوامع مدرن، جوامع ایده آل نیستند و با انواع بحران ها (ویژگی های هشت، ده، دوازده، پانزده) روبرو هستند، اما این جوامع مدرن در مرحله تحکیم دموکراسی هستند و سعی می کنند بحرانهای جامعه را از طریق سازوکار دموکراسی سرو سامان دهند. در حالی که جامعه ایران مرحله پیشا

پیش بینی جامعه ایران، پیشنهاد یک تیپ نظری

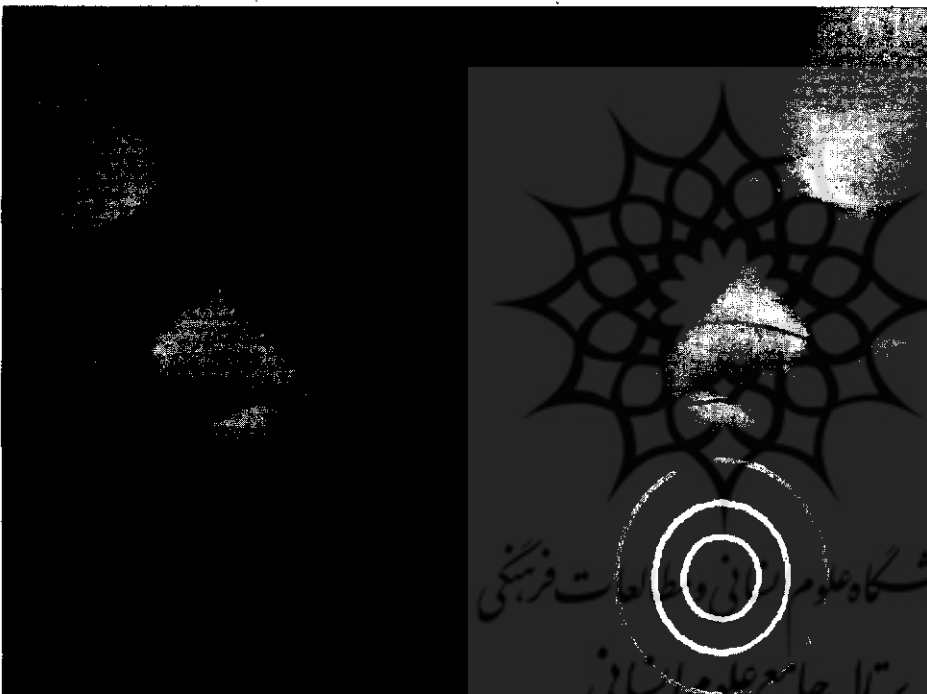
دموکراسی را می‌گذراند (برای روشن شدن موضوع به ویژگی‌های یک، دو، هفت، یازده، دوازده و سیزده توجه کنید). به همین دلیل اغلب بحرانها در ایران شکل سیاسی پیدا کرده و در برابر حکومت قرار می‌گیرند. می‌توان گفت جامعه ایران جامعه‌ای مدرن و دموکراسی‌جو است. در حالی که حکومت آن دموکراسی‌گریز است. لذا جامعه ایران، جامعه نامتوازن دموکراتیک است. در این مدل نظری دموکراسی جویی جامعه یک امر ارزشی و یا خیالی نیست و متکی بر ویژگی‌های یک (در ستون اول)، چهار، شش، هشت، چهارده و شانزده است. همین‌طور وجه نامتوازی این جامعه دموکراسی‌جو دموکراسی‌گریزی حکومت است که آنهم یک امر واقعی است - نگاه کنید به ویژگی یک (ستون دوم)، دو، هفت، یازده، دوازده، سیزده، چهارده (ستون دوم). دموکراسی جویی جامعه ایران البته به معنای پی جویی یک مدینه فاضله نیست بلکه به این معنا است که جامعه این امکان را دارد که بحرانهای دائمی جامعه مدرن (ویژگی ده) را با سازوکارهای دموکراتیک مهار کند. در واقع دموکراسی جویی جامعه و دموکراسی‌گریزی حکومت دو ویژگی محوری تیپ ایده آل جامعه کنونی ایران است. تیپ ایده آل در اینجا یک ابزار مفهومی و اکتشافی است که حوزه موضوع مورد بررسی را سامان می‌دهد و وجه مورد مناقشه را روشن می‌کند. در سنت روش شناختی ماکس وبر "تیپ سازی" راه آسانی برای ورود به عرصه نظروری در یک موضوع مورد بحث و مناقشه است. لذا این نوشته مدعی نظریه پردازی به سبک نظریه های علوم تجربی نیست. باید توجه داشت تیپ ایده آل سازی نقطه پایان بحث نیست بلکه نقطه شروع بحث روالمند درباره جامعه است.

پایه و پیشنهاد

طبق مدل نظری پیشنهادی باید روند دموکراسی جویی جامعه و دموکراسی‌گریزی حکومت را مورد توجه قرار داد. عدم توجه به این ویژگی‌ها به معنای آن نیست که جامعه ایران فرو خواهد پاشید یا فرو نخواهد. وضعیت موجود ادامه پیدا خواهد کرد. مدل‌های نظری و از جمله مدل نظری پیشنهادی قادر نیستند درباره این احتمالات پیش‌بینی قطعی ارائه دهند. اما با توجه به ستون سوم قاب ویژگی‌های ایران (بحث درباره آینده) چند اظهار نظر را می‌توان مطرح کرد. اول، توجه به ویژگی‌های یک، دو، پنج، شش، هفت، ده، یازده و دوازده است که تصویر شایسته‌ای از نقش حکومت در ایران ارائه نمی‌دهد. دوم، به یک معنا جامعه به راه خود می‌رود و حکومت به راه خود می‌رود و نامشخص بودن آینده از مختصات جامعه ایران است. لذا وجه دموکراتیک جامعه ایران به معنای این نیست که توان دموکراتیک جامعه بدون قبول اصلاح از سوی حکومت پایدار خواهد ماند. بلکه حتی در جوامعی که در مرحله تحکیم دموکراسی هستند (مثل اغلب کشورهای آمریکای لاتین) از خطر امواج خشونت و وندالیسم در امان نیستند و ایران هم از این قاعده مستثنی نیست. سوم، ادامه وضع موجود به معنای گند شدن مدرنیته و توسعه یافتگی و عقب افتادن بیشتر ایران از کشورهای مشابهی مثل ترکیه، مالزی، اندونزی و کره است. چهارم، عدم توجه به روندهای موجود باعث می‌شود تا اطلاع ثانوی هر حرکتی (همچون گذشته) از نحوه لباس پوشیدن زنان تا نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، شکل کاملاً سیاسی و در برابر حکومت به خود بگذرد در نتیجه

هر حادثه کوچک و بزرگی می‌تواند حکومت ایران و حتی جامعه ایران را با بحران‌های بزرگ روبرو کند. پنجم ادامه روند فعلی، نسل انقلاب کرده ایران را با بحران دستاورد روبرو کرده و می‌کند. چرا که ربع قرن پس از انقلاب نه ایران دینی تر، نه توسعه یافته تر از کشور کره، و نه دموکراتیک تر از ترکیه شده است. پنجم همچنان در سطح بالای هرم جامعه، نخبگان زیادی تولید می‌شوند که خواهان کار در کشورهای صنعتی بوده و از کار در ایران رضامندی شغلی ندارند، در سطح پایین هرم جامعه نیز افرادی هستند که برای فرار از تنش‌های جامعه مدرن و شهری ایران به تریاک روی می‌آورند (از این لحاظ شاید جامعه ایران حداقل با دو میلیون تریاکی، تریاکی‌ترین جامعه‌ها در جهان باشند). در میانه هرم جامعه هم نهادهای مدنی هستند که اغلبشان در برابر نهادهای حکومتی قرار دارند.

بجای تأکید بر استراتژی‌های تنازعی یا قطعی کردن جامعه در برابر حکومت، باید روی استراتژی‌های تعاملی، گفت و گو و چانه زنی با حکومت (البته به نفع دموکراسی) تأکید داشته باشند. (تعاملی که بین حاکمان و نهادهای مدنی و نمایندگان اقشار در معرض تبعیض در کشورهای اسکاندیناوی برای حل بحران‌های جامعه در جریان است چشم اغلب جامعه‌شناسان را خیره کرده است. این نسیم اسکاندیناویایی هنوز فضای جامعه سیاسی و مدنی ایران را نوازش نداده است (برای آشنایی بیشتر با این بحث به مقاله دیگر نگارنده تحت عنوان الگوی چهارم تغییر اجتماعی نگاه کنید).
(۳) در صورت سرپیچی حکومت از تن دادن به اصلاحات، راه مقابله با آن خودکشی و انفعال سیاسی جامعه مدنی نیست. مهمترین سرمایه جامعه در این شرایط همچنان نخبگان فکری و فرهنگی جامعه در



شهرهای میلیونی، با سواد و حساس ایران هستند. حضور فعال آنان در "عرصه عمومی" اولاً از خاموش شدن این عرصه حیات بخش جلوگیری می‌کند. ثانیاً باعث می‌شود به طور دائم مهمترین مسائل و بحرانهای جامعه مورد بحث و گفت و گو قرار گیرد و جامعه آگاه شود. آگاهی برآمده از عرصه عمومی (نه آگاهی دستکاری شده) مهمترین سرمایه‌ای است که می‌تواند جامعه دموکراسی جوی ایران را در گذار و تحکیم دموکراسی کمک کند.

(۴) تداوم شجاعت سیاسی مسؤولان حکومتی، بازیگران سیاسی و صداقت روشنفکران در تأکید بر مهمترین مسائل جامعه (که از نظر این نوشته حل مسأله گذار و تحکیم دموکراسی است) لازمه کار جامعه دموکراسی جویی است که از بخت بد حکومتش با آن همراه نیست.^(۱)

۱. همچنان که مشاهده کردید افقی که از طریق سؤال اول درباره جامعه ایران تصویر می‌شود با افقی که از طریق سؤال دوم منعکس می‌شود، تفاوت مهمی با یکدیگر ندارند.

عرصه عمومی
به معنای فضای گفت و گو و نقد
تا حدودی در جامعه ایران
شکل گرفته است
ایزادهای این عرصه نقد، مانند
آزادی بیان، رسانه‌های مستقل، محل
اجتماعات گفت و گو
همچنان با تهدید روبرو هستند
این عرصه در ایران پر هزینه
و ناامن است

پندهات

(۱) طبق مدل نظری پیشنهادی یکی از مشکلات اساسی جامعه ایران دموکراسی‌گریزی حکومت آن است. لذا یکی از نیازهای مبرم جامعه اصلاح پذیر شدن جمهوری اسلامی در زمانی است که حکومت اقتدار دارد و گرنه در زمان ضعف حکومت تن دادن به اصلاحات به فروپاشی سیاسی کمک کردن است.
(۲) فعالان سیاسی و نهادهای مدنی ناراضی از وضع موجود باید توجه داشته باشند که مشکل جامعه ایران گذار و تحکیم دموکراسی است نه تغییر حکومت آن. لذا